



Investigating the relationship between sexual intimacy, emotion regulation and attachment styles in married people

Maryam. Akhavan Kharazi¹, Mohammad Arash. Ramezani*²

1. M.A, Department of Family Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Department of Family Health, Family Research Center, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article type

Original research

Pages: 41-56

Corresponding Author's Info

Email: m_ramezani@sbu.ac.ir

Article history:

Received: 2022/07/03

Revised: 2022/08/27

Accepted: 2022/09/08

Published online: 2022/11/02

Keywords:

sexual intimacy, emotion regulation, attachment, married.

ABSTRACT

Background and Aim: Marriage is an intimate relationship with authority and is undergoing transformation, therefore intimacy in marriage is different from the type of relationship experienced between mother and child. The purpose of this research is to investigate the relationship between sexual intimacy, emotion regulation and attachment dimensions in married people. **Methods:** The research method is cross-sectional correlation. The statistical population of the current study includes all married men and women living in Tehran province, which was selected using available sampling method. The data were obtained using the close relationship experience questionnaire (Brennen, Clark and Shaver, 1998), the cognitive regulation of emotion questionnaire (Garnefsky, Kraij and Spinhaven, 2002) and Bagarossi's intimacy needs questionnaire (2001). The data were analyzed by mean, standard deviation, correlation coefficient and multivariate regression and SPSS 21 and AMOS statistical software. **Results:** The results showed that there is a significant relationship between the dimensions of anxious attachment and intensity of sexual need ($r=0.167$, $P<0.01$) and sexual participation ($r=0.157$, $P<0.01$) in married people. There is. The relationship between the dimensions of avoidant attachment and sexual intimacy in the sexual need satisfaction component was significant ($p<0.01$, $r=0.155$). The correlation between anxiety style and negative emotional regulation strategies was significant ($r=0.132$). But there was a significant correlation between the dimension of avoidant attachment and positive emotional regulation ($r=0.237$). Sexual intimacy and positive emotional regulation were also related ($r=0.174$). **Conclusion:** It can be concluded that both dimensions of attachment are correlated with sexual intimacy, but there is no significant correlation between emotional regulation and attachment styles.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article:

Akhavan Kharazi, M., & Ramezani, M. (2022). Investigating the relationship between sexual intimacy, emotion regulation and attachment styles in married people. *Jayps*, 3(2): 41-56



بررسی رابطه بین صمیمیت جنسی، تنظیم هیجان و سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل

مریم اخوان خرازی^۱، محمد آرش رضانی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی-خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. گروه بهداشت خانواده پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	<p>زمینه و هدف: ازدواج یک رابطه صمیمانه همراه با اختیار و در حال دگرگونی است، از این رو صمیمیت در ازدواج با نوع رابطه‌ای که میان مادر و فرزند تجربه می‌شود متفاوت است. هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین صمیمیت جنسی، تنظیم هیجان و ابعاد دلبستگی در افراد متأهل است. روش پژوهش: روش پژوهش نیز مقطعی همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان و مردان متأهل ساکن استان تهران است که برای انتخاب آن‌ها از روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه تجربه روابط نزدیک (برن، کلارک و شیور، ۱۹۹۸)، پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان (گارنفسکی، کرایچ و اسپینهاون، ۲۰۰۲) و پرسشنامه بررسی نیازهای صمیمیت باگروزی (۲۰۰۱) به دست آمد. داده‌ها با روش میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره و نرم‌افزار آماری SPSS 21 و AMOS تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین ابعاد دلبستگی اضطرابی و شدت نیاز جنسی ($r=0/167, P<0/01$) و مشارکت جنسی ($r=0/157, P<0/01$) در افراد متأهل رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین ابعاد دلبستگی اجتنابی با صمیمیت جنسی در مؤلفه ارضای نیاز جنسی معنادار بود ($r=0/155, P<0/01$). همبستگی بین سبک اضطرابی و راهبردهای تنظیم هیجانی منفی معنی‌دار بود ($r=0/132$). اما بین بعد دلبستگی اجتنابی و تنظیم هیجانی مثبت همبستگی معنادار وجود داشت ($r=-0/237$). صمیمیت جنسی و تنظیم هیجانی مثبت نیز با هم ارتباط داشتند ($r=0/174$). نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت هر دو بعد دلبستگی با صمیمیت جنسی همبستگی دارند اما همبستگی معنی‌داری بین تنظیم هیجانی و سبک‌های دلبستگی وجود ندارد.</p>
صفحات: ۴۱-۵۶	
اطلاعات نویسنده مسئول	
ایمیل: m_ramezani@sbu.ac.ir	
سابقه مقاله	
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱	
تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱	
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴	
واژگان کلیدی	
صمیمیت جنسی، تنظیم هیجان، دلبستگی	

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است. تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

اخوان خرازی، مریم، و رضانی، محمد آرش. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین صمیمیت جنسی، تنظیم هیجان و سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل. دوفصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان، ۳(۲): ۴۱-۵۶

مقدمه

ازدواج یک رابطه صمیمانه همراه با اختیار و در حال دگرگونی است، از این رو صمیمیت^۱ در ازدواج با نوع رابطه‌ای که میان مادر و فرزند تجربه می‌شود متفاوت است. تعریف صمیمیت به عنوان نوعی رابطه است که در آن خودافشایی، درک، اعتماد و نزدیکی عمیق تجربه می‌شود و در یک ازدواج سالم دو عضو با سبک‌های بالغ وجودشان آگاهانه به برآوردن نیازهای یکدیگر می‌پردازند (ساهو و همکاران، ۲۰۲۱). باور این که همه انسان‌ها نیاز اساسی و پایه‌ای به برقراری روابط صمیمانه دارند همیشه وجود داشته است. صمیمیت یک نیاز روان‌شناختی اولیه و اصلی در نظر گرفته می‌شود (شایسته فرد، صبحی قراملکی و حاجیبی، ۱۴۰۱؛ مان و بادر، ۲۰۰۸). در تعریف صمیمیت جنسی^۲، باگآوری آن را نیاز به در میان نهادن تجارب عاشقانه با یکدیگر، سهیم شدن و ابراز افکار و احساسات و خیال‌پردازی‌های جنسی، نیاز به تماس بدنی، آمیزش جنسی و روابطی برای برانگیختن، تحریک و رضایت جنسی با همسر بیان می‌دارد. زوجین در محیط صمیمی و شاد، روابط جنسی رضایت‌بخش‌تری دارند و جذابیت این روابط در طی زمان باقی می‌ماند. نارضایتی و فقدان صمیمیت، سرزندگی و شادابی ازدواج را از بین خواهد برد و بر کیفیت آن اثر می‌گذارد (بوسیو و همکاران، ۲۰۲۱).

فعالیت جنسی و رضایت حاصل از آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین ابعاد زندگی انسان در نظر گرفته می‌شوند، رضایت جنسی به عنوان یکی از نیازهای فیزیولوژیک، موجب سلامتی انسان بوده و عدم رضایت جنسی و فشارهای جسمی و روانی ناشی از آن، فرد را به بیراهه می‌کشاند، در سلامت او اختلال ایجاد می‌کند و توانمندی‌ها و خلاقیت او را تقلیل می‌دهد. نتایج مختلف نشان می‌دهد که بین صمیمیت جنسی و رضایت‌مندی زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، یعنی با

افزایش صمیمیت جنسی، رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس (کوردوا، جی و وارن، ۲۰۰۵). یکی از عوامل تأثیرگذار بر صمیمیت، روابط جنسی و رضایت جنسی زوج‌ها سبک‌های دلبستگی^۳ آن‌ها است. دلبستگی یکی از مفاهیم تحولی بسیار مهم در جریان رشد و تحول انسان است. نگرش، امیال و درک شریک جنسی در ارتباطات جنسی می‌تواند تظاهری از دلبستگی با والدین باشد (خطیبی، ۲۰۰۴). مطالعات نشان داده‌اند که دلبستگی با عواملی همچون سلامت روان^۴ (استرنبرگ، داویلا و فینچم، ۲۰۰۶)، تنش^۵ (کالینز، کوپر، آلبینو و آلارد، ۲۰۰۲)، کیفیت روابط فردی (دمپستر، ۲۰۰۷)، رضایت زناشویی^۶ (رحیمیان و همکاران، ۲۰۰۷) در ارتباط است. این یافته‌ها باعث شده است که توجه پژوهشگران به نقش دلبستگی در صمیمیت جنسی افزایش یابد. تداوم دلبستگی تا بزرگسالی و تأثیر آن بر روابط بین فردی در آینده با الهام از نظریه^۷ بالبی (۱۹۶۹) در مورد ماهیت پیوندهای عاطفی و نقش دلبستگی‌های متقابل بزرگسالان در روابط زوجین مورد بررسی قرار گرفت و سبک‌های دلبستگی ایمن^۷، اجتنابی^۸ و دوسوگرا^۹ که افکار، احساسات و رفتارهای زوجین را در روابط زناشویی تحت تأثیر قرار می‌دهند به تحقیقات متعددی منجر شد (کان و همکاران، ۲۰۰۷). افراد با دلبستگی ایمن سطح بالاتری از اعتماد و رضایت و سطح پایین‌تری از تعارضات دارند. در دلبستگی دو سوگرا افراد با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بالاتر و در دلبستگی اجتنابی افراد با رضایت و صمیمیت کمتر و تعارضات بیشتر مشخص می‌شوند (کالینز، کوپر، آلبینو و آلارد، ۲۰۰۲). یافته‌های مطالعه برنبیوم (۲۰۰۷) نشانگر این است که دلبستگی دوسوگرا به‌طور معناداری با کاهش در رضایت، صمیمیت، لذت و برانگیختگی جنسی ارتباط داشته و دلبستگی اجتنابی، فقط با کاهش صمیمیت جنسی در ارتباط است. نتایج مطالعات تریسی و همکاران (۲۰۰۳) بر روی افراد متأهل

1. intimacy
2. Sexual Intimacy
3. Attachment styles
4. Mental health
5. Stress

6. Marital satisfaction
7. Secure Attachment
8. Insecure Anxious/Avoidant Attachment
9. Ambivalent Attachment

واسطه^۱ آن بر هیجان‌ات خود و اینکه چگونه آن‌ها را بیان و تجربه می‌کنند، تأثیرگذار است. دشواری در تنظیم هیجانی باید در نتیجه^۲ کمبود توانایی‌ها و قابلیت‌های تنظیم هیجانی باشد (کوئینهو، ریبیرو، فریرینها و دیاس، ۲۰۱۰). دانهام (۲۰۰۸) در تحقیقات خود به مطالعه^۳ مهارت‌های هیجانی و تأثیر آن بر رضایت زناشویی و فرایندهای صمیمیت بر روی آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار پرداخت. نتایج نشانگر این بود که در زنان و مردان دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی و صمیمیت ایمن رابطه^۴ منفی دارد. کربی (۲۰۰۷) پژوهشی را باهدف تأثیر درمان دشواری در تنظیم هیجانی بر رضایت زناشویی انجام داد که نتایج حاصل مؤید آن بود که تنظیم هیجانی در افزایش رضایت زناشویی و افزایش اعتماد زوجین مؤثر است. یلسما و شرلین (۲۰۰۳) در پژوهشی دشواری در تنظیم هیجان و رضایت زناشویی را مورد مطالعه قرار دادند که نتایج حاکی از آن بود که دشواری در تنظیم هیجانی تأثیر منفی بر رضایت زناشویی زوجین دارد. در پژوهش دیگری کوردوا و وارن (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که تولنایی ارتباط هیجانی به‌طور معناداری با سازگاری زناشویی و صمیمیت ایمن ارتباط دارد و نقش شناسایی و ابراز هیجان‌ات، درک و مدیریت هیجان‌ات منفی در حفظ رابطه^۵ زناشویی تأیید شد. مطالعات نشان داده‌اند که بین سبک‌های دلبستگی و صمیمیت بین زوجین ارتباط وجود دارد (فویری و همکاران، ۲۰۲۱). از طرف دیگر جزء بزرگی از صمیمیت را صمیمیت هیجانی^۶ و جنسی تشکیل می‌دهد و توانایی تنظیم هیجان‌ها و تجربه^۷ همدلی مستلزم داشتن یک دلبستگی ایمن است (مئونوز و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به مطالعات و توضیحات فوق، به نظر می‌رسد که نوع دلبستگی ارتباط معنی‌داری با صمیمیت داشته باشد و از آنجاکه صمیمیت انواعی دارد و همبستگی بین آن‌ها وجود دارد، از سوی دیگر به نظر می‌رسد که این ارتباط با صمیمیت جنسی نیز وجود داشته باشد و هیجان‌ات هم با دلبستگی و هم با رابطه جنسی ارتباط دارند لذا می‌توان گفت که رابطه جنسی یک هیجان اصلی را در انسان به وجود می‌آورد که نقش تنظیم‌گری بین دلبستگی و صمیمیت جنسی را می‌توان حدس زد. هدف از

مشخص نمود که سبک‌های دلبستگی با انگیزش جنسی و هیجان‌ات تجربه‌شده در طی فعالیت جنسی مرتبط است و افراد ایمن با احتمال بیشتری از رابطه^۸ جنسی لذت می‌برند و افراد دوسوگرا و اجتنابی کمتر قادر به تجربه^۹ هیجان‌ات گرم و صمیمانه در طی فعالیت جنسی است. بر طبق نظر هازان و همکاران (۱۹۹۴) افراد با سبک‌های دلبستگی مضطرب/ دوسوگرا به سطح بالایی از صمیمیت نیاز دارند. افراد دل‌بسته^{۱۰} اجتنابی به احتمال زیاد درگیر روابط جنسی خارج از تعهد در بیرون از خانواده می‌شوند؛ اما افراد با دلبستگی ایمن همدل هستند و می‌توانند صمیمیت را تجربه کنند.

هیجان^{۱۱}، اولین عنصر سازمان دهنده^{۱۲} رفتار در دلبستگی است. هیجان‌ها به فرد فرصتی می‌دهند تا احساسات خویش را نسبت به هر چیزی بروز می‌دهد و این ابراز هیجانی، رابطی بین تجارب درونی و دنیای بیرونی است (مؤمنی و همکاران، ۲۰۲۲) که با شناخت، تعامل دوسویه دارد و به افراد در ارزشیابی موقعیت‌هایی که به ارزش‌ها، نیازها، هدف‌ها یا علائق شخصی مربوط می‌شود، کمک می‌کند، مثل هیجان‌های ناشی از فعالیت آمیگدال که در هشدار به ما در برابر خطر یا تهدید، نقش اساسی دارند (گرینبرگ، ۲۰۰۴). بر طبق نظریه^{۱۳} دلبستگی، هیجان و بیان هیجانی به عنوان یک حلقه^{۱۴} ارتباطی اصلی بین خود و سیستم، یک عنصر هدایت‌گر و یک سازمان دهنده در چرخه‌های تعاملی در نظر گرفته می‌شود. به عقیده^{۱۵} بالبی (۱۹۶۹) عملکرد اصلی هیجان، از ارتباط و وضعیت انگیزشی فرد نشاءت می‌گیرد (جانسون و ویفن، ۲۰۰۳). تنظیم هیجانی^{۱۶} بر اساس مدل نظری، فرایندی منحصربه‌فرد برای تعدیل تجربه^{۱۷} هیجانی به قصد دستیابی به مطلوبیت اجتماعی و قرار گرفتن در یک وضعیت جسمانی و روانی آماده، برای پاسخگویی مناسب به تقاضاهای بیرونی و درونی است. تنظیم هیجانی «منظم کردن و تنظیم» فرایندهای احساسی در راستای عملکرد تطبیقی است، لذا بی‌نظمی احساسات، به فرایندهای تنظیمی اطلاق می‌شود که درنهایت عملکرد تطبیقی را مختل کند (هوانگ، ۲۰۰۶). در نتیجه می‌توان گفت تنظیم هیجانی به مرحله‌ای اشاره دارد که افراد به

جمع نمرات ماده‌های هر عامل به دست می‌آید که سؤالات ۹، ۲۲، ۲۰، ۱۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴ و ۳۵ معکوس نمره‌گذاری می‌شوند، یعنی متوسط نمره در ۱۸ سؤال اول بعد دلبستگی اضطراب را نشان می‌دهد و متوسط نمره در ۱۸ سؤال دوم بعد دلبستگی اجتناب را نشان می‌دهد. برنن، کلارک و شیور (۱۹۹۸) اعتبار پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ و باز آزمایی برای عامل اجتناب به ترتیب (۰/۹۴ و ۰/۸۱) و برای عامل اضطراب به ترتیب (۰/۹۰ و ۰/۸۱) گزارش کردند و روایی همگرایی پرسشنامه با پرسشنامه هازان و شیور (۱۹۹۰) و پرسشنامه کولینز و رید (۱۹۹۰) رضایت‌بخش بود که نتایج همبستگی برای دو ملاک مذکور به ترتیب (۰/۳۷ و ۰/۴۰) گزارش شده است که در سطح ($p \leq 0.001$) معنادار بوده است (فرالی، والر و برنین، ۲۰۰۰). پرسشنامه مذکور در ایران توسط یوسفی، اعتمادی، بهرامی و همکاران (۱۳۸۸) اعتبار یابی شده است، محققان جهت کشف دو متغیر مکنون اضطراب و اجتناب تحلیل عاملی را بر روی نمونه ۱۵۰ نفری (۶۵ مرد و ۸۵ زن) اجرا کردند و به شیوه چرخش محورهای متعامد (واریماکس) دو متغیر مکنون را کشف کردند. ماتریس مؤلفه‌های چرخش یافته دو مؤلفه اضطراب و اجتناب را نشان دادند و نتایج نشان داد که محتوای سؤالات ۱ تا ۱۸ مربوط به عامل اضطراب است و سؤالات ۱۹ تا ۳۶ مربوط به عامل اجتناب است که با جایگاه هر سؤال در هر عامل با فرم برنن، کلارک و شیور (۱۹۹۸) همخوانی دارد. سپس با استفاده از روش تحلیل عوامل این پرسشنامه از برآزش خوبی برخوردار بود و نتیجه گرفته شد که پرسشنامه از روایی کافی برخوردار است و برای تحلیل در جامعه ایرانی مناسب است. جهت بررسی پایایی مقیاس از شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ برای عامل اضطراب ۰/۹۰ و برای عامل اجتناب ۰/۸۹ به دست آمد. روایی همگرایی پرسشنامه با پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازان و شیور (۱۹۹۰) و پرسشنامه کولینز و رید (۱۹۹۰)

پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین صمیمیت جنسی، تنظیم هیجان و ابعاد دلبستگی در افراد متأهل است.

روش پژوهش

روش پژوهش طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان و مردان متأهل ساکن استان تهران است که برای انتخاب آن‌ها از روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. برای تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوهن، خطای نوع اول ۰/۰۵ و توان مطالعه ۰/۸۰ با توجه به ضریب همبستگی که از مطالعات دیگر به دست آمد ($R=0/32$). بر اساس فرمول حدود ۲۳۵ نفر محاسبه شد که با ریزش ۱۰٪، ۲۵۰ نفر حجم نمونه تعیین شد. ملاک‌های ورود به نمونه شامل افراد متأهل، سن بین ۲۰ تا ۶۵ سال و رضایت کامل نسبت به پر کردن پرسشنامه‌های مورد پژوهش بود. ملاک‌های خروج از نمونه شامل وجود یا شک به هرگونه اختلال روان‌پزشکی فعال طبق سابقه نمونه یا تشخیص احتمالی پژوهشگران و عدم تکمیل حداقل ۳۰٪ از پرسشنامه‌ها بود.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه تجربه روابط نزدیک (سبک‌های دلبستگی) ^۱(ECR-S): این پرسشنامه توسط برنن، کلارک و شیور (۱۹۹۸) ساخته شده و برای تعیین ابعاد سبک دلبستگی به کار می‌رود. پرسشنامه ۳۶ عبارت دارد که در مقابل هر عبارت ۷ گزینه قرار دارد: کاملاً مخالف، تقریباً مخالف، مقداری مخالف، اندکی موافق تا حدودی موافق، تقریباً موافق، کاملاً موافق. به فرد از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، نمره ۱ تا ۷ داده می‌شود. برای محاسبه نمره هر فرد پس از نمره‌گذاری به شکل زیر، میانگین نمره هر خرده مقیاس محاسبه و در نمودار دو بعدی رسم می‌گردد تا مشخص شود که فرد در کدام یک و کجای ربع‌ها قرار دارد. این پرسشنامه شامل دو عامل اضطراب و اجتناب است که ۱۸ عبارت مربوط به اضطراب است (سؤال ۱ تا ۱۸) و ۱۸ عبارت مربوط به اجتناب است (سؤال ۱۹ تا ۳۶)؛ بنابراین نمره‌های این پرسشنامه با

1. Experiences in Close Relationships-revised (ECR-R) Questionnaire

زا و منفی است. نسخه فارسی پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان (CERQ-P) در فرهنگ ایرانی توسط حسنی (بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان. فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، ۴، ۲۴۰-۲۲۹) مورد هنجاریابی قرار گرفته است. در این مطالعه، اعتبار مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ (با دامنه ۰/۷۶ تا ۰/۹۲) و باز آزمایی (با دامنه همبستگی ۰/۵۱ تا ۰/۷۷) و روایی پرسشنامه مذکور از طریق تحلیل مؤلفه اصلی با استفاده از چرخش، همبستگی بین خرده مقیاس‌ها (با دامنه همبستگی ۰/۳۲ تا ۰/۶۷) و روایی ملاکی مطلوب گزارش شده است (سامانی و صادقی، ۱۳۸۹).

۳. پرسشنامه بررسی نیازهای صمیمیت باگاروزی^۲
(۲۰۰۱): پرسشنامه توسط باگاروزی (۲۰۰۱)، برای ارزیابی نیازهای صمیمیت در ابعاد عاطفی، روان‌شناختی، عقلانی، جنسی، فیزیکی، معنوی، زیباشناختی و تفریحی - اجتماعی طراحی شده است. شامل ۴۱ سؤال است که آزمودنی به شکل رتبه‌بندی شده، از ۱ به معنای "به هیچ‌وجه چنین نیازی وجود ندارد" تا ۱۰ به معنای "نیاز بسیار زیادی وجود دارد" به هر سؤال پاسخ می‌دهد. اعتمادی (۱۳۸۴) برای تعیین روایی محتوایی، پرسشنامه را در اختیار ۱۵ استاد مشاوره و ۱۵ زن و شوهر قرار داد و روایی محتوایی آن تأیید شد. ضریب پایایی کل پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد. علاوه بر این، خمسه و حسینیان (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای پایایی هر بعد صمیمیت را با روش آزمون - باز آزمون محاسبه نمودند که برای صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، عقلانی، جنسی، فیزیکی، معنوی، زیباشناختی و اجتماعی - تفریحی، به ترتیب: ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۹۱، ۰/۸۰، ۰/۶۵، ۰/۷۶، ۰/۵۱ به دست آمد و حاکی از پایایی قابل قبول این مقیاس است.

روش اجرای پژوهش

نمونه‌گیری از مراکز مشاوره و ادارات و ... که در دسترس بود و تلاش شد که نمونه نشان‌دهنده‌ای از جمعیت کل

رضایت‌بخش بود که نتایج همبستگی برای دو ملاک مذکور به ترتیب (۰/۳۴ و ۰/۳۶) گزارش شده است که در سطح (p ≤ ۰/۰۱) معنادار بوده است که پایایی و روایی نشان می‌دهد که هر دو مقدار برای مقاصد پژوهشی کیفیت می‌کند (یوسفی، اعتمادی، بهرامی و همکاران، ۱۳۸۸).

۲. پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان^۱ (CERQ-P)
پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان توسط گارنفسکی، کرایچ و اسپینهاون (۲۰۰۲) در کشور هلند تدوین شده، دارای دو نسخه انگلیسی و هلندی است. پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان (CERQ-P) یک پرسشنامه چندبعدی است که جهت شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه کردن وقایع یا موقعیت‌های منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخلاف سایر پرسشنامه‌های مقابله‌ای که به صورت آشکار بین افکار فرد و اعمال واقعی و منفی تمایز قائل نمی‌شوند، این پرسشنامه افکار فرد را پس از مواجهه با یک تجربه منفی یا وقایع آسیب‌زا ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی است و دارای ۳۶ ماده است. اجرای این پرسشنامه خیلی آسان است و برای افراد ۱۲ سال به بالا (هم افراد بهنجار و هم جمعیت‌های بالینی) قابل استفاده است. پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان دارای پایه تجربی و نظری محکم بوده، از ۹ خرده مقیاس بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان تشکیل شده است. خرده مقیاس‌های مذکور ۹ راهبرد شناختی ملامت خویش، پذیرش، نشخوار گری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌پذیری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران را ارزیابی می‌کند. دامنه نمرات مقیاس از (۱) تقریباً هرگز تا (۵) تقریباً همیشه است. هر خرده مقیاس شامل ۴ ماده است. نمره کل هر یک از خرده مقیاس‌ها از طریق جمع کردن نمره ماده‌ها به دست می‌آید؛ بنابراین دامنه نمرات هر خرده مقیاس بین ۴ تا ۲۰ خواهد بود. نمرات بالا در هر خرده مقیاس بیانگر میزان استفاده بیشتر راهبرد مذکور در مقابله و مواجهه با وقایع استرس

داده‌ها به کمک جداول و نمودارهای ساده و شاخص‌های آماری مرکزی و پراکندگی (میانگین و انحراف معیار) ارائه شد، سپس در تحلیل با توجه به ماهیت عددی بودن متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. در پایان برای ارزیابی مدل ساختاری از آنالیز معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار AMOS، ضرایب تحلیل مسیر محاسبه شد.

یافته‌ها

از ۲۹۸ نمونه ارزیابی شده ۷۸ نفر (۲۶٪) مرد متأهل و ۲۲۰ نفر (۷۴٪) زن متأهل بودند. میانگین سنی کل شرکت‌کنندگان ۸/۷ ± ۳۶/۱ بود (میانگین + انحراف معیار). کمترین سن ۲۰ سال و مسن‌ترین فردی که به پرسشنامه پاسخ داده بود ۶۶ سال داشت. بین دو گروه زن و مرد از نظر میانگین سنی اختلاف معنی‌دار آماری وجود داشت، به طوری که میانگین سنی مردان ۳۸/۵ ± ۱۰ و میانگین سنی زنان ۳۵/۳ ± ۸ بود. میانگین سنی همسران ۳۸/۹ ± ۳/۸ سال بود. طول مدت ازدواج در کل با میانگین ۴ ± ۲۳/۷ بود.

باشد صورت گرفت. برای اینکه جمعیت همگن باشد و بتوانیم به جمعیت کل تعمیم بدهیم از یک رویکرد سهمیه‌ای بر اساس انواع شغل استفاده کردیم بدین صورت که از منابع مختلف نمونه‌گیری انجام شد. لذا از یک کلینیک مشاوره خانواده خصوصی، دو اداره و نمونه‌های در دسترس پرسشگر به عنوان خانه‌دار یا شغل آزاد انتخاب شدند. سپس با مراجعه و توضیح اهداف طرح، پرسشگر پرسشنامه‌ها را بین افراد توزیع نمود و پرسشگری صورت گرفت. با توجه به این که پرسشنامه‌ها در زمینه انواع صمیمیت و دلبستگی، روابط زوجین را به‌طور خاص مورد بررسی قرار داده بود، بعضی از افراد حاضر به همکاری نشدند. حجم نمونه مورد پژوهش ۲۵۰ نفر بود که برای به دست آمدن این حجم حدود ۴۰۰ پرسشنامه توسط نمونه‌ها تکمیل گردید که پس از جمع‌آوری و کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص و پر نشده یا مخدوش درنهایت ۲۹۸ پرسشنامه برای تحلیل باقی ماند.

داده‌ها پس از اتمام نمونه‌گیری به کمک رایانه سازگار با IBM و بسته نرم‌افزار آماری SPSS 21 و AMOS تحت تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ابتدا توصیفی از

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مفاهیم	مولفه‌ها	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
راهبردهای شناختی	ملامت خویش	۴	۲۳	۱۱,۳۲۵۵	۳,۲۶۹۸۱
	پذیرش	۵	۲۲	۱۲,۴۹۳۳	۳,۰۵۶۴۲
	نشخوار گری	۴	۲۲	۱۳,۸۴۲۳	۳,۲۲۰۰۹
	تمرکز مجدد مثبت	۴	۲۰	۱۲,۳۵۹۱	۳,۵۲۱۲۶
	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	۵	۲۰	۱۴,۵۵۷	۳,۵۰۰۶۲
	ارزیابی مجدد مثبت	۵	۲۳	۱۴,۰۱۰۱	۳,۸۵۴۶۷
صمیمیت جنسی	دیدگاه‌پذیری	۶	۲۰	۱۳,۲۲۸۲	۳,۶۶۹۱۸
	فاجعه‌سازی	۴	۲۱	۹,۹۴۹۷	۳,۶۲۷۵۴
	ملامت دیگران	۴	۲۴	۹,۶۵۱	۳,۴۸۳۳۴
	تنظیم هیجانی منفی	۳۳	۱۰۵	۵۷,۹۹۶۶	۱۱,۸۱۰۶۵
	تنظیم هیجانی مثبت	۲۲	۷۶	۵۳,۴۱۹۵	۱۰,۶۳۹۲۶
	جنسی	صمیمیت جنسی	۱	۱۰	۸,۱۰۴
شدت نیاز جنسی		۱	۱۰	۸,۶۲۴	۲,۰۷۴۳
مشارکت جنسی		۱	۱۰	۷,۴۷	۲,۵۹۹
ارضای نیاز		۱	۱۰	۸,۵۵۴	۲,۱۲۳۸

تحلیل پیامد دوگانه	۱	۱۰	۷٫۵	۲٫۵۰۱۵
ابعاد اضطرابی	۱۸	۱۲۰	۳۵/۴۹	۷/۷۸
دلبستگی اجتنابی	۱۸	۱۱۴	۳۱/۷۸	۷/۵۴

دست آمد؛ همچنین کمترین نمره در متغیر صمیمیت جنسی مربوط به مؤلفه تحلیل پیامد دوگانه با میانگین و انحراف استاندارد ۷/۵۰ (۲/۵۰) و بیشترین نمره مربوط به مؤلفه شدت نیاز جنسی با میانگین و انحراف استاندارد ۸/۶۲ (۲/۰۷) گزارش شد.

نتایج شاخص توصیفی میانگین و انحراف استاندارد در جدول فوق نشان داد که بیشترین نمره مربوط به مؤلفه تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی با میانگین و انحراف استاندارد ۱۴/۵۵ (۳/۵۰) و کمترین نمره مربوط به مؤلفه ملامت دیگران با میانگین و انحراف استاندارد ۹/۶۵ (۳/۴۸) به

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد رابطه بین سبک‌های دلبستگی و صمیمیت جنسی							
مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
صمیمیت جنسی	۱						
شدت نیاز جنسی	۰.۷۵۴**	۱					
مشارکت جنسی	۰.۵۴	۰.۴۶۳**	۱				
ارضای نیاز	۰.۵۶	۰.۳۵۲**	۰.۵۲۸**	۱			
تحلیل پیامد دوگانه	۰.۳۰۴**	۰.۴۸۰**	۰.۳۷۹**	۰.۴۲۳**	۱		
صمیمیت جنسی کلی	۰.۱۶۷**	۰.۱۵۷**	۰.۲۵۱**	۰.۲۴۰**	۰.۸۱۰**	۱	
ابعاد دلبستگی	۰.۳۵۸**	۰.۳۸۵**	۰.۱۵۵**	۰.۶۳	۰.۲۲۳**	۰.۲۳۷**	۱
اضطرابی							
اجتنابی							

صمیمیت جنسی در زمینه‌های یادشده افزوده می‌شود و بالعکس. چون مقدار I در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی با صمیمیت جنسی در مؤلفه‌های شدت نیاز جنسی (با مقدار ۰/۳۵۸-) و مشارکت جنسی (با مقدار ۰/۳۸۵-) در سطح ۰/۰۱ معنادار است، بنابراین فرض صفر (عدم وجود رابطه بین دو متغیر) رد و فرض تحقیق (وجود رابطه بین دو متغیر) تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر بین سبک دلبستگی اجتنابی با مؤلفه‌های یادشده رابطه معناداری به صورت معکوس و منفی وجود دارد و هر چه سبک دلبستگی اجتنابی بالاتر باشد، از میزان صمیمیت جنسی در زمینه‌های یادشده کاسته می‌شود و بالعکس.

با توجه به داده‌های جدول ۲، چون مقدار I در رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی با صمیمیت جنسی در مؤلفه‌های شدت نیاز جنسی (با مقدار ۰/۱۶۷) و مشارکت جنسی (با مقدار ۰/۱۵۷) در سطح ۰/۰۱ معنادار است، همچنین رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی با صمیمیت جنسی در زیر مؤلفه ارضای نیاز جنسی و نیز صمیمیت به‌طور کلی به ترتیب با مقدار ۰/۱۵۵ و ۰/۲۲۳ معنادار است؛ بنابراین فرض صفر (عدم وجود رابطه بین دو متغیر) رد و فرض تحقیق (وجود رابطه بین دو متغیر) تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر بین سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با مؤلفه‌های یادشده رابطه معناداری به صورت مستقیم و مثبت وجود دارد و هر چه سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی بالاتر باشد، بر میزان

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره صمیمیت جنسی از روی ابعاد دلبستگی						
مدل	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
۱	رگرسیون	۱۷۷,۱۷۵	۲	۸۸,۵۸۸	۲۰,۰۹۳	a.
	باقی مانده	۱۳۰۰,۶	۲۹۵	۴,۴۰۹		
	کل	۱۴۷۷,۷۷۵	۲۹۷			

عبارت دیگر این نتیجه نشان می‌دهد که ضرایب رگرسیون معنادار است. به عبارت دیگر بین ابعاد دلبستگی با صمیمیت جنسی رابطه معنادار از لحاظ آماری وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۳ نشان می‌دهد که رگرسیون مؤلفه صمیمیت جنسی از روی ابعاد دلبستگی، از لحاظ آماری معنادار است و این مؤلفه‌ها بخشی از واریانس صمیمیت جنسی را تبیین می‌کند؛ به

جدول ۴. نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه صمیمیت جنسی از روی ابعاد دلبستگی					
متغیر ملاک صمیمیت جنسی	پیش بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	Sig
		B	خطای ضرایب غیر استاندارد		
ابعاد دلبستگی	اثر ثابت	۱۰,۷۳۴	۱,۱۰۹	۹,۶۸	۰,۰۱
	اضطرابی	۳۸۳	۱۶۱	۲,۳۸۳	۱۸
	اجتنابی	-۱,۱۴۷	۲۲۳	-۵,۱۴۴	۰,۰۱
۱	R	۰,۳۴۶		R ²	۰,۱۲۰

مؤلفه سبک اجتنابی از ابعاد سبک‌های دلبستگی است؛ به طوری که با هر واحد تغییر در واریانس سبک اجتنابی از ابعاد سبک‌های دلبستگی به اندازه ۲۸۹٪ در واریانس نمره صمیمیت جنسی تغییر ایجاد می‌گردد. سبک اضطرابی نیز به میزان ۱۳۴٪ در تبیین واریانس صمیمیت جنسی نقش معناداری دارد.

با توجه به میزان R² موجود در جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت که ابعاد سبک‌های دلبستگی در مدل ارائه شده وارد شده و در حدود ۱۲ درصد از واریانس متغیر صمیمیت جنسی را تبیین می‌کند. مقدار بتا در مدل ارائه شده نشان‌دهنده میزان تبیین واریانس متغیرهای پیش بین روی ملاک است. بر اساس همین ضرایب استاندارد بتا بیش‌ترین نقش و تبیین روی صمیمیت جنسی بر عهده

جدول ۵. نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجانی													
مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
تنظیم هیجانی													
ملاکت خویش	۱												
پذیرش	۰,۴۳**	۱											
نشخوار گری	۰,۵۳**	۰,۴۱**	۱										
تمرکز مجدد مثبت	۰,۷۰*	۰,۱۱*	۰,۱۰	۱									

تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	۱۰	**۱۵	**۲۴	**۶۲	۱
ارزیابی مجدد مثبت	**۱۹	**۲۲	**۲۵	**۶۷	**۷۳
دیدگاه پذیری	**۲۳	**۲۸	**۲۹	**۴۵	**۵۱
فاجعه سازی	**۴۸	**۳۷	**۴۷	۱۰	**۱۵
ملاصت دیگران	**۳۲	**۳۶	**۳۹	۱۰	**۶۲
تنظیم هیجانی منفی	**۷۳	**۵۴	**۷۷	**۱۵	**۱۹
تنظیم هیجانی مثبت	**۲۵	**۴۵	**۳۲	**۸۱	**۸۴
ابعاد اضطرابی	۴۸	*۱۲	**۱۶	۷۹	*۱۴
دلبستگی اجتنابی	۱۰	۴۴	۱۰۸	۴۸	۹۱

* معناداری در سطح ۰/۰۵

** معناداری در سطح ۰/۰۱

رد و فرض تحقیق (وجود رابطه بین دو متغیر) تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر بین دلبستگی اضطرابی با مؤلفه‌های یادشده رابطه معناداری به صورت مستقیم وجود دارد و هر چه دلبستگی اضطرابی بالاتر باشد، بر میزان تنظیم هیجانی در زمینه‌های یادشده افزوده می‌شود و بالعکس. با توجه به داده‌های جدول ۵ چون مقدار I در رابطه بین دلبستگی اجتنابی با تنظیم هیجانی در مؤلفهٔ ملاصت دیگران در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ بنابراین فرض صفر (عدم وجود رابطه بین دو متغیر) رد و فرض تحقیق (وجود رابطه بین دو متغیر) تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر بین دلبستگی اجتنابی با مؤلفهٔ یادشده رابطه معناداری به صورت مستقیم وجود دارد و هر چه دلبستگی اجتنابی بالاتر باشد، بر میزان تنظیم هیجانی در زمینهٔ یادشده افزوده می‌شود و بالعکس. در سایر موارد رابطه معناداری مشاهده نگردید.

با توجه به داده‌های جدول ۵ چون مقدار I در رابطه بین ابعاد دلبستگی اضطرابی با تنظیم هیجانی در مؤلفه تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی (با مقدار ۰/۱۴۷-) در سطح ۰/۰۵ معنادار است؛ بنابراین فرض صفر (عدم وجود رابطه بین دو متغیر) رد و فرض تحقیق (وجود رابطه بین دو متغیر) تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر بین دلبستگی اضطرابی با مؤلفهٔ یادشده رابطه معناداری به صورت معکوس وجود دارد و هر چه دلبستگی اضطرابی بالاتر باشد، بر میزان تنظیم هیجانی در زمینهٔ یادشده کاسته می‌شود و بالعکس. با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار I در رابطه بین دلبستگی اضطرابی با تنظیم هیجانی در مؤلفه‌های پذیرش (با مقدار ۰/۱۲۴)، نشخوار گری (با مقدار ۰/۱۶۰)، فاجعه سازی (با مقدار ۰/۲۲۴) و تنظیم هیجانی منفی (با مقدار ۰/۱۳۲) در سطح ۰/۰۱ معنادار است، بنابراین فرض صفر (عدم وجود رابطه بین دو متغیر)

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تنظیم هیجانی منفی از روی سبک‌های دلبستگی						
مدل	منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
۱	رگرسیون	۸۴۱,۰۲۵	۲	۴۲۰,۵۱۲	۳,۰۵۶	۰.۰۴۹
	باقی‌مانده	۴۰۵۸۷,۹۷۲	۲۹۵	۱۳۷,۵۸۶		
	کل	۴۱۴۲۸,۹۹۷	۲۹۷			

که ضرایب رگرسیون معنادار است و شواهد کافی برای تأیید فرضیه وجود دارد؛ به عبارت دیگر بین مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی با تنظیم هیجانی منفی رابطه معنادار از لحاظ آماری وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۶ نشان می‌دهد که رگرسیون مؤلفه تنظیم هیجانی منفی از روی مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی، از لحاظ آماری معنادار است و این مؤلفه‌ها بخشی از واریانس تنظیم هیجانی را تبیین می‌کند؛ به عبارت دیگر این نتیجه نشان می‌دهد

جدول ۷. نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه تنظیم هیجانی منفی از روی سبک‌های دلبستگی						
متغیر ملاک تنظیم هیجانی	پیش بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	Sig
		B	خطای ضرایب غیراستاندارد			
سبک‌های	اثر ثابت	۴۵,۵۸۳	۶,۱۹۴	۷,۳۵۹	۰.	
دلبستگی	اضطرابی	۲,۱۹۴	۸۹۸.	۲,۴۴۳	۱۵.	
	اجتنابی	۱,۱۷۹	۱,۲۴۵	۹۴۷.	۳۴۵.	
۱	R	۰/۱۴۲		R ²	۰/۰۲۰	

است. نتایج نشان داد که رابطه بعد دلبستگی اجتنابی با صمیمیت جنسی در زیر مؤلفه‌های ارضای نیاز جنسی و نیز صمیمیت معنادار است. به عبارت دیگر بین ابعاد دلبستگی اجتنابی با مؤلفه‌های یادشده رابطه معناداری به صورت مستقیم وجود داشت. همچنین رابطه بین ابعاد دلبستگی اجتنابی با صمیمیت جنسی در مؤلفه‌های شدت نیاز جنسی، مشارکت جنسی معنادار به صورت معکوس بود، بنابراین فرض صفر (عدم وجود رابطه بین دو متغیر) رد و فرض تحقیق (وجود رابطه بین دو متغیر) تأیید گردید. همچنین در مرحله دوم تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و صمیمیت جنسی در مؤلفه‌های شدت نیاز جنسی، مشارکت جنسی و ارضای نیاز در افراد متأهل رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرض تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تأیید گردید. رابطه بین شدت نیاز جنسی و مشارکت جنسی در افراد با ابعاد دلبستگی اضطرابی، به صورت مستقیم است. بریسرتون و مون هالند

با توجه به میزان R² موجود در جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های دلبستگی در مدل ارائه‌شده وارد شده در حدود ۲ درصد از واریانس متغیر تنظیم هیجانی را تبیین می‌کند. مقدار بتا در مدل ارائه‌شده نشان‌دهنده میزان تبیین واریانس متغیرهای پیش بین روی ملاک است. براساس همین ضرایب استاندارد بتا بیش‌ترین نقش و تبیین روی تنظیم هیجانی بر عهده دلبستگی اضطرابی از سبک‌های دلبستگی است؛ به طوری که با هر واحد تغییر در واریانس سبک اضطرابی از سبک‌های دلبستگی به‌اندازه ۱۴۵ / در واریانس نمره تنظیم هیجانی منفی تغییر ایجاد می‌گردد. رگرسیون چند متغیره تنظیم هیجانی مثبت از روی سبک‌های دلبستگی معنادار نبود؛ بنابراین گزارش نگردید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین صمیمیت جنسی، تنظیم هیجان و ابعاد دلبستگی در افراد متأهل

و تنظیم هیجانی در مؤلفه^۱ تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی در افراد متأهل رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرض تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تأیید گردید. هم‌چنین نتایج نشان داد که سبک اضطرابی با پذیرش و نشخوارگری و فاجعه‌سازی و تنظیم هیجانی منفی رابطه^۲ مستقیم دارد. در مقابل نیز سبک اجتنابی و تنظیم هیجان با مؤلفه^۳ ملامت دیگران رابطه‌ای معنادار مستقیم داشت. هم‌سو با نتایج پژوهش حاضر سیمپسون و همکاران (۲۰۰۷) با هدف بررسی رابطه بین بیانگری هیجانی و سبک‌های دلبستگی در روابطی رمانتیک تحقیقی را انجام دادند که نتایج تحقیق نشان داد افرادی که در دوره نوزادی دلبسته‌ایمن شناخته شدند، در اواسط کودکی از لیاقت و کفایت اجتماعی بیشتری در بین همسالان برخوردار بودند. هم‌چنین در نوجوانی و اوایل بزرگسالی در روابط نزدیک خود با دوستان و شریکان زندگی در روابط رمانتیک، بیانگری هیجانی و عاطفی مناسب‌تری نشان دادند.

نتایج پژوهش حاضر حیدری و اقبال (۱۳۸۹) نیز نشان داد که بین دشواری در تنظیم هیجانی و رضایت زناشویی زوجین و ابعاد دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی زوجین رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد و بین دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. به علاوه بین ابعاد دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. بین صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز حاکی از وجود رابطه چندگانه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی زوجین بود. مطالعه^۴ محمدی، فرنام و محبوبی (۱۳۹۰) نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی رابطه^۵ چندگانه وجود دارد. ابعاد دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار دارند و ابعاد دلبستگی دوسوگرا اجتنابی با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند و بعد دلبستگی دوسوگرا بهترین پیش‌بینی‌کننده^۶ رضایت زناشویی است.

تحقیقات لاگاردیا، رین، کاجمن و دسی (۲۰۰۰)، کافتسیوس و سیدریدیس (۲۰۰۶)، لای، لیتمون - اوادیا

(۱۹۹۹) در تحقیقی نشان دادند که ابعاد دلبستگی ایمن بر رضایت جنسی و رضایت زناشویی زوجین تأثیر مستقیم دارد. افراد دارای ابعاد دلبستگی ایمن، رضایت جنسی و رضایت ارتباطی بالاتری را گزارش کردند و نسبت به پایداری رابطه تعهد بیشتری داشتند. آرتور بورن (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان داد که سبک‌های دلبستگی بر رضایت جنسی زوجین تأثیر مثبتی دارد. زوج‌های ایمن به همسر خود اعتماد دارند، دیگران را مثبت ارزیابی کرده و به عشق قابل‌اعتماد معتقد می‌باشند، خود ابرازی بیشتری نسبت به همسر از خود نشان می‌دهند، احساسات و ایده‌های خود را با هم تقسیم می‌کنند، انعطاف‌پذیرند و به نیازهای همسر خود به درستی پاسخ می‌دهند. افرادی که ایمن هستند از رضایت جنسی بالاتری برخوردارند.

هم‌چنین یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق هازن (۲۰۰۳) و شیور و کلارک (۱۹۹۴) هم‌سو است. طبق این تحقیقات صمیمیت جنسی، صمیمیت کلی را پیش‌بینی می‌کند و کاهش اضطراب و اجتناب در بین زوجین بر ایجاد محیطی امن و بهبود رابطه جنسی و صمیمیت موجود در آن مؤثر است. صمیمیت جنسی با سرزندگی و شادابی در ازدواج (واپت و کیت، ۱۹۹۰)، با برون‌ریزی مشکلات با سبک‌های زناشویی و رفتارهای جنسی (باگاروزی، ۲۰۰۱) رابطه دارد.

در تبیین نتیجه حاصل می‌توان چنین عنوان نمود که نظریه^۷ دلبستگی بر اهمیت صمیمیت تأکید می‌کند و بر این باور است که صمیمی شدن با افراد خاص یکی از نیازهای انسان است. میل به صمیمیت ریشه‌های زیست‌شناختی دارد و در اکثر افراد از تولد تا مرگ ادامه می‌یابد. میل به صمیمیت برای دلبستگی مهم است و روابطی که میل رسیدن به صمیمیت را ارضا می‌کنند منجر به دلبستگی‌های ایمن‌تر بین زوجین می‌گردند. رابطه جنسی بین زوجین دلبستگی آن‌ها را نسبت به هم زیاد می‌کند. برای بسیاری از زوجها ارتباط جنسی زمانی اتفاق می‌افتد که ارتباطشان تقویت شود و قادر باشند ارتباط لطیف‌تر و ظریف‌تری را با یکدیگر برقرار کنند و نیازهای دلبستگی‌شان را پاسخ‌گویند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی

خصوصیت آنها، محصول نیاز دل‌بستگی ناکام شده، همراه با انتظار طرد از سوی دیگران است. بزرگسالان اجتنابی از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب کرده و در مقیاس‌هایی که روابط عاشقانه و رمانتیک را بررسی می‌کنند نمرات پایین‌تری به دست می‌آورند همچنین این افراد از تعارضات خصوصیت‌آمیز بیشتری با همسرشان برخوردارند. تولنایی فرد در تنظیم هیجاناتش مستلزم داشتن یک دل‌بستگی ایمن است. دل‌بستگی پیوند و رابطه بین فردی است و این ارتباط یک ارتباط عاطفی است و مسلم است که هیجان‌های مختلفی در این ارتباط درگیر خواهند بود و این ارتباط نسبتاً پایدار است؛ بنابراین با توجه به الگوهای پایدار درونی کیفیت این پیوند، حوزه‌های وسیعی از روابط بین فردی و درون فردی را در زمان حال و آینده تحت تأثیر قرار خواهد داد و تأثیر مستقیم بر تنظیم هیجانات فرد دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که ترکیبی از سبک‌های دل‌بستگی ایمن، صمیمیت و تنظیم هیجانی به هنجار است که به استحکام بیشتر روابط زناشویی می‌انجامد. در روابط میان زوجین هر چه فرد از نظر دل‌بستگی ایمن‌تر باشد از نظر تنظیم هیجانی بهتر می‌تواند احساسات خود را کنترل کند و در نتیجه در ارتباط با همسرش صمیمیت بالایی را تجربه می‌کند که در نهایت رضایت زناشویی بالایی را می‌توان انتظار داشت؛ به عبارت دیگر افرادی که به خاطر دل‌بستگی نایمن قادر به شناخت یا کنترل هیجانات خود نیستند، در روابط با همسر خود دچار مشکل می‌شوند چون همسران آن‌ها دچار نوعی نارضایتی خواهند شد که در نتیجه با گذشت زمان صمیمیت بین آن‌ها کمتر می‌شود که در پی آن رضایت زناشویی آن‌ها پایین می‌آید. با توجه به اینکه این پژوهش به روش نمونه‌گیری غیر تصادفی گرفته است، لذا در تعمیم نتایج به سایر جوامع باید احتیاط صورت گیرد. داده‌های به‌دست‌آمده از ابزارهای خود سنجی، محدودیت دیگر پژوهش حاضر است. پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت و نقش دل‌بستگی در تنظیم هیجانی، مراکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره‌ای در ارائه راهکارهای مناسب به مراجع استفاده نمایند. اگر این یافته‌ها در مورد زوجینی که وارد

(۲۰۱۱)، وی، لئو، کی وانی و شافر (۲۰۱۱)، نشانگر آن است که بین دل‌بستگی، تاب‌آوری و تنظیم هیجانی با بهزیستی ارتباط وجود دارد و نشانگر این مطلب است که دل‌بستگی ایمن با بهزیستی بالا همراه است، در حالی که دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی هر دو با بهزیستی پایین مربوط می‌باشند. افرادی که دارای ابعاد دل‌بستگی انفعالی بالا هستند احتمال دارد از ارزیابی مجدد استفاده کنند و تاب‌آوری بیشتری داشته باشند که این دو متغیر اثر مثبت روی بهزیستی را میانجی‌گری می‌کند. در تبیین این پژوهش می‌توان گفت نظریهٔ دل‌بستگی بر اهمیت صمیمیت تأکید می‌کند و بر این باور است که صمیمی شدن با افراد خاص یکی از نیازهای انسان است. میل به صمیمیت ریشه‌های زیست‌شناختی دارد و در اکثر افراد از تولد تا مرگ ادامه می‌یابد. میل به صمیمیت برای دل‌بستگی مهم است و روابطی که میل رسیدن به صمیمیت را ارضا می‌کنند منجر به دل‌بستگی‌های ایمن‌تر بین زوجین می‌گردند. افراد دل‌بسته اجتنابی به دیگران اعتماد ندارند و همیشه یک نوع فاصله هیجانی را از دیگران حفظ می‌کنند و اغلب تنها و متخاصم هستند. خصوصیت آنها، محصول نیاز دل‌بستگی ناکام شده، همراه با انتظار طرد از سوی دیگران است. بزرگسالان اجتنابی از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب کرده و در مقیاس‌هایی که روابط عاشقانه و رمانتیک را بررسی می‌کنند نمرات پایین‌تری به دست می‌آورند همچنین این افراد از تعارضات خصوصیت‌آمیز بیشتری با همسرشان برخوردارند. تولنایی فرد در تنظیم هیجاناتش مستلزم داشتن یک دل‌بستگی ایمن است. دل‌بستگی پیوند و رابطه بین فردی است و این ارتباط یک ارتباط عاطفی است و مسلم است که هیجان‌های مختلفی در این ارتباط درگیر خواهند بود و این ارتباط نسبتاً پایدار است؛ بنابراین با توجه به الگوهای پایدار درونی کیفیت این پیوند، حوزه‌های وسیعی از روابط بین فردی و درون فردی را در زمان حال و آینده تحت تأثیر قرار خواهد داد و تأثیر مستقیم بر تنظیم هیجانات فرد دارد. در تبیین این پژوهش می‌توان گفت افراد دل‌بسته اجتنابی به دیگران اعتماد ندارند و همیشه یک نوع فاصله هیجانی را از دیگران حفظ می‌کنند و اغلب تنها و متخاصم هستند.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت کنندگان که در اجرای این پژوهش همکاری صمیمانه داشتند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

منابع

حیدری، علیرضا، اقبال، فرشته. (۱۳۹۰). رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولادشهر اهواز. یافته‌های نو در روانشناسی.

شایسته فرد، زهرا، صبحی قراملکی، ناصر، و ضرغام حاجبی، مجید. (۱۴۰۱) طراحی مدل سبک‌های دلبستگی در سازش روابط عاطفی با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان متأهل دانشگاه علوم پزشکی همدان. دوفصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان، ۳(۲): ۳۷۵-۳۸۸

محبوبی، پریسا، فرنام، رابرت، محمدی، مسعود. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی در معلمان کیش. فصلنامه علمی، پژوهشی زن و فرهنگ، ۲(۷)، ۹۰-۲۰.

Arterburn D. (2002). *Spiritual attachment and sexual satisfaction in marriage*. Ph.D. Dissertation. Texas: Texas Technology University, College of psychology, 47-9.

Bagarozzi, D. A. (2001). *Enhancing Intimacy in marriage*. Banner- Rouledye. Tylor & ForancisGroup. USA.

Birnbaum GE. (2007). Attachment orientations, sexual functioning, and relationship satisfaction in a community sample of women. *J Soc Pers Relat*, 24(1): 21-35.

Bossio, J. A., Higano, C. S., & Brotto, L. A. (2021). Preliminary development of a mindfulness-based group therapy to expand couples' sexual intimacy after prostate cancer: a mixed methods approach. *Sexual Medicine*, 9(2), 100310.

Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books.

Bretherton I, Munholland KA. (2008). *internal working models in attachment relationships: A construct revisited*. In: Cassidy J, Shaver P. (editors). *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical*.

Collins, NL. Cooper, L., Albino, A., & Allard, L. (2002). Psychosocial vulnerability from

زوج‌درمانی هم می‌شوند، تعمیم و گسترش یابد، درمانگران می‌توانند انتظار داشته باشند که تفاوت‌هایی بین آرزوها و اولویت‌های افراد مضطرب و اجتنابی در خصوص محبت جسمانی و فیزیکی و مقاربت جنسی ایجاد شود. همچنین تفاوت‌هایی را در میزان مواجهه شدن احتمالی با روابط زناشویی خارج از زندگی زناشویی در بین این دو گروه افراد شاهد باشند. در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده، مشاوران و مراکز مشاوره باید در نظر داشته باشند که هر چه همسران از سبک‌های پردازش مثبت‌تری استفاده نمایند میزان بروز تعارضات زناشویی مابین آن‌ها کاهش می‌یابد و به دنبال آن کاهش تعارضات موجب افزایش کیفیت روابط جنسی مابین زوج‌ها می‌گردد. با توجه به این نتایج پیشنهاد می‌شود با آموزش ابعاد تنظیم هیجانی مثبت به زوج‌ها در قالب آموزش‌های پیش از ازدواج و برنامه‌های زوج‌درمانی، موجب کاهش تعارض مابین همسران و ارتقاء سطح سلامت زوجین از طریق ارتقاء کیفیت روابط جنسی پرداخت. با توجه به اهمیت متغیر صمیمیت جنسی و کمبود ادبیات پژوهش پیرامون آن توصیه می‌شود محققان پژوهش‌های بیشتری در رابطه با این متغیر با دیگر متغیرهای روان‌شناختی انجام دهند. پیشنهاد می‌شود در کنار داده‌های خودسنجی، داده‌های به‌دست‌آمده از ارزیابی متخصصان بالینی نیز به‌کاربرده شود تا از سوگیری‌های ناشی از ماهیت داده‌ها جلوگیری کرد. انجام چنین اقداماتی ممکن است الگوهای جدیدی از همبستگی‌ها را آشکار سازد که می‌تواند نظریه‌های ما را به‌طور ثمربخشی گسترش دهد. در تشخیص سبک‌های دلبستگی استفاده از ابزارهای دیگری مانند مصاحبه‌های نیمه ساختار سنجش سبک‌های دلبستگی بهتر خواهد بود.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند. پس از اتمام پژوهش گروه گواه نیز تحت مداخله قرار گرفتند.

- system. Doctoral dissertation, College of Arts and Sciences, Georgia State University.
- Johnson, S.M. & Whiffen, V. (2003) "Made to Measure: Adapting Emotionally Focused Couple Therapy to Partners' Attachment Styles". *NJ: Clinical Science and Practice Psychology*.
- Kafetsios, K. & Sideridis, G. D. (2006). Attachment, Social support and well-being in young and older adults. *Journal of Health Psychology*, 11, 863- 875.
- Kane, H. S., & Jamerka, L., Guichards, A. C., Ford, M. B., Collins. N., & Feeny, B. C. (2007). Feeling supported and how Partner's attachment style are predicts the other partner's relationship experiences. *Journal of social and personal relationship*, 24 (4), 535-555.
- Khatibi E. (2004). *Comparison of marital satisfaction in attachment styles*. MA. Dissertation. Tabriz: Tabriz University, College of psychology and educational sciences, 89-128. (Persian).
- Kirby, JS. (2007). treating emotion Dysregulation in a couple's context: a Pilot sudy of a couple's skills Group intervention. *Journal of marital and family Therapy*, 33(3), 375-391.
- La Guardia, J. G., Ryan, R. M., Couchman, C. E., & Deci, E. L. (2000). Basic psychological needs scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79(3), 367-384.
- Lavy, S., & Littman-Ovadia, H. (2011). All you need is love? Strengths mediate the negative associations between attachment orientations and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 50(7): 1050–1055.
- Manne, S., & Badr, H. (2008). Intimacy and relationship prossesses in couples' pshychosocial adaptation to cancer. *Cancer*, 112(11 suppl): 2541-55.
- Momeni, K., Amani, R., Janjani, P., Majzoobi, M. R., Forstmeier, S., & Nosrati, P. (2022). Attachment styles and happiness in the elderly: the mediating role of reminiscence styles. *BMC geriatrics*, 22(1), 1-11.
- Muñoz-Rivas, M., Bellot, A., Montorio, I., Ronzón-Tirado, R., & Redondo, N. (2021). Profiles of emotion regulation and post-traumatic stress severity among female victims of intimate partner violence. *International journal of environmental research and public health*, 18(13), 6865.
- adolescence to adulthood: A prospective study of attachment style differences in relationship functioning and partner choice. *J Pers*, 70(6): 965-1007.
- Cordova, J. V. Gae, C.B. & Warren, L.Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24(2): 218-235.
- Coutinho, J., Ribeiro, E., Ferreirinha, R., & Dias, P. (2010). The Portuguese version of the Difficulties in Emotion Regulation Scale and its relationship with psychopathological symptoms. *Rev PsiqClin Journal*, 37(4), 145-151.
- Dempster D. (2007). *Multidimensionality of patterns of attachment, sexual attitudes and unwanted sex*. Ph.D. Dissertation. USA: University of Mississippi, College of philosophy, 18-38.
- Dunham, S.M. (2008). Emotional skillfulness in African American marriage: Intimate safety as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. Dissertation of Doctor of Philosophy, University of Akron.
- Favieri, F., Marini, A., & Casagrande, M. (2021). Emotional regulation and overeating behaviors in children and adolescents: a systematic review. *Behavioral Sciences*, 11(1), 11.
- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, PH. (2002). *Manual for the use of the cognitive emotion regulation questionnaire*. Netherlands: DATEC.
- Greenberg, L. (2004). *Emotion - focused Therapy*. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 11, 3- 16.
- Hazan, C. I. N. D. Y. (2003). The essential nature of couple relationships. *Attachment processes in couple and family therapy*, 43-63.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1990). Love and work: An attachment-theoretical perspective. *Journal of Personality and social Psychology*, 59(2), 270.
- Hazen, K. H., Arnold, M. A., & Small, G. W. (1994). Temperature-insensitive near-infrared spectroscopic measurement of glucose in aqueous solutions. *Applied Spectroscopy*, 48(4), 477-483.
- Hwang, J. (2006). *A processing model of emotion regulation: insights from the attachment*

- Rahimiyan, B.A., Nory, A., Arizi, H., Molavi, H., & Froghi, MA. (2007). Relationship between attachment styles with satisfaction and job stress in nurses. *Journal of Iranian psychiatry and clinical psychology*, 2(13): 148-57. (Persian).
- Sahoo, S., Pattnaik, J. I., Mehra, A., Nehra, R., Padhy, S. K., & Grover, S. (2021). Beliefs related to sexual intimacy, pregnancy and breastfeeding in the public during COVID-19 era: a web-based survey from India. *Journal of Psychosomatic Obstetrics & Gynecology*, 42(2), 100-107.
- Shaver, P. R., & Clark, C. L. (1994). The psychodynamics of adult romantic attachment. In *Empirical perspectives on object relations theory*. (pp. 105-156). American Psychological Association.
- Steinberg, S. J., Davila, J., & Fincham, F. (2006). Adolescent marital expectations and romantic experiences: Associations with perceptions about parental conflict and adolescent attachment security. *J Youth Adolesc*, 35(3): 333-48.
- Tracy, J. I., Shaver, P. R., Albino, A. W., & Cooper, M. L. (2003). *Attachment styles and adolescent sexuality*. In: Florsheim P. (editor). Adolescent romance and sexual behavior: Theory, research, and practical implications. Mahwah, NJ: Lawrence; 137-59.
- Wei, M., Liao, K., Ku, Y., & Shaffer, P. A. (2011). Attachment, self-compassion, Empathy, and subjective well-being among college students and community adults. *J Pers*, 79(1): 191-221.
- Yelsma, P., & Sherilyn, M. (2003). An examination of couples difficulties with emotional expressiveness and their marital satisfaction. *Journal of Family Communication*, 3(1): 41-62.